

تبیین رابطه ی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و نشانه‌های وسواس: نقش میانجی گر خودکارآمدی و درهم آمیختگی فکر

سهیلا طالبی نجف آبادی^۱، احمد برجلی^۲، شهرام محمدخانی^۳، نورعلی فرخی^۴
و عصمت دانش^۵

دریافت مقاله 14.01.2018
پذیرش مقاله 17.02.2018

وسواس از اختلال‌های روان‌پزشکی ناتوان‌کننده است که اغلب مشکلات قابل توجهی را در روند معمول زندگی، کارکرد شغلی، فعالیت‌های اجتماعی و روابط بین فردی ایجاد می‌کند. هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی گر خودکارآمدی و درآمیختگی افکار در رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده با نشانه‌های وسواس بود. برای این منظور طی یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی از میان دانش آموزان دبیرستان‌های نوبت دوم تهران، ۳۴۹ دانش آموز از ۸ مدرسه انتخاب و از نظر نشانه‌های وسواسی-جبری، خودکارآمدی عمومی، درآمیختگی افکار و ادراک والدینی مورد ارزیابی قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد درهم آمیختگی فکر رابطه بین سبک فرزندپروری مادرو نشانه‌های وسواس و خودکارآمدی رابطه بین سبک فرزندپروری هر دو والد با نشانه‌های وسواس را به صورت منفی و معنادار میانجی‌گری می‌کند. به نظر می‌رسد مادرانی که الگوی ارتباط مادر-فرزندی آن‌ها ویژگی‌هایی از قبیل ارتباط رسمی، برجسته بودن مرزها و فاصله‌ها و عدم ابراز عواطف، تماس چشمی و در آغوش گرفتن دارند یا به شکل مشروط فرزند خود را می‌پذیرند، مانع از شکل‌گیری پذیرش نامشروط در فرزندان خود می‌شوند و مسوولیت-پذیری بیش از حد، درآمیختگی فکر-عمل و وسواس را در فرزندان خود شکل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: خودکارآمدی، درآمیختگی افکار، فرزندپروری ادراک شده، وسواس

مقدمه

شیوه‌های تعامل والدین با کودکان و یا نوجوانان تاثیر شگرفی بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی و بروز برخی علایم روانپزشکی دارد (خانجانی، اسماعیلی انامق و غلامزاده، ۲۰۱۲). نتایج پژوهش

۱. دپارتمان روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، گروه روان‌شناسی عمومی، کرج، ایران.

۲. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده ی مسوول) borjali@atu.ac.ir

۳. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. دپارتمان سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۵. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مرادی (۲۰۱۷) نقش و تاثیر محیط خانواده در ایجاد و تشدید اختلال‌های روانی به خصوص اختلال وسواس فکری- عملی را در رابطه با کاهش نشانه‌های اختلال وسواس فکری- عملی مورد تایید قرار داده است. الگوهای عملکرد خانواده، یعنی ابعاد عملکردی خانواده در شیوه‌های والدگری انعکاس می‌یابد و به شیوه‌های فرزندپروری مربوط است (ماتجویک، جووانویک و ایلک، ۲۰۱۵). گروولنیک (۲۰۰۳) به «ساختار» والدگری و سبک «حمایت‌کننده از خودمختاری»^۲ اشاره کرده است به این معنی که والدین شایستگی و خودمختاری رفتاری کودکان خود را ارتقا می‌دهند. شیوه فرزندپروری حمایت‌کننده خودمختاری^۳، یعنی آن دسته از والدینی که با رضایت‌مندی و نه اجبار تجارب رفتاری فرزند را تشویق می‌کنند و بر آن صحنه می‌گذارند، منجر به انگیزه‌ی خودمختاری و بهزیستی روان- شناختی می‌شوند. در مقابل، والدین کنترل‌گر که بر پیامدهای خاصی تاکید دارند و فرزندان را تحت فشار می‌گذارند و خود مشکلات آن‌ها را حل می‌کنند، باعث ایجاد انگیزه‌ی بیرونی و بدرفتاری می‌شوند (ون پیتگم، برینینگ، بایودات، بایرس و زیمر-گمبک، ۲۰۱۸؛ ماربل-پیر، گروولنیک، استوارت و رافتری-هلمر، ۲۰۱۷). راس و آسر (۲۰۱۲) نشان دادند شیوه‌ی فرزندپروری حمایت‌کننده خودمختاری پیش‌بینی‌کننده راهبردهای تنظیم هیجانی انطباقی و الگوهای صمیمیت در فرزندان است. درحالی‌که سطح بالایی از کنترل‌گری نشان‌دهنده‌ی فرزندپروری دیکتاتورمآبانه و مطالبه‌کننده است، سطح بالایی از گرمی والدین نشان‌دهنده فرزندپروری کودک-محور، پذیرنده و پاسخ‌گو است (تیمپانو، کیوف، مهافی، ایسکیمیت و آبراموویتز، ۲۰۱۰). پذیرش والدین به‌طور کلی به گرمی و رفتارهای محبت‌آمیز و پاسخ‌گوی والدین اشاره دارد که شامل مشارکت در زندگی کودکان به لحاظ احساسی و رفتاری، پذیرش و اعتباربخشی به احساسات و رفتارهای کودکان، ابراز هیجان و عاطفه مثبت، تحسین، تصدیق، گوش دادن فعال و استفاده از بازتاب است (دارک و گینسبرگ، ۲۰۱۱؛ وود، مک‌لود، سیگمن، هوانگ و چو، ۲۰۰۳). میرصادقی، سهرابی، اسکندری، برجعلی و فرخی (۱۳۹۶) در پژوهش خود دریافتند شکست مادر در ایجاد یک ارتباط گرم، حساس و پاسخ‌دهنده در سال‌های نخستین زندگی کودک مشکلات رفتاری پایداری از جمله وسواس را در کودک ایجاد می‌کند. در پژوهشی که توسط لرنتر، گراب، راهرمن، رامپاچر، ووگلی و همکاران (۲۰۱۰) انجام شد بیماران دچار اختلال وسواسی- جبری میزان پایین‌تری از گرمی والدین و میزان بالاتری از کنترل‌گری و طرد والدین را گزارش کردند. روییز، هولگادو- تلو و کاراسکو (۲۰۱۷) پیشنهاد کردند مشارکت پدر و طرد/

پذیرش هر دو مادر و پدر در رابطه ی والد- فرزند سهم به سزایی در سازگاری روان شناختی کودک دارد. اپکینز و هارپر (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند نشانه های افسردگی و اضطراب مادران و پدران با گرمی فرزندپروری، خصومت / طرد / غفلت و کنترل رفتاری همبسته است.

خودکارآمدی^۱ مفهومی است که بندروا (۱۹۹۷) به عنوان باورهای فرد درباره توانایی اش برای سازمان- دهی و اجرایی کردن عملکرد مورد نیاز برای دستیابی به اهداف مشخص تعریف کرده است. علاوه بر محیط خانواده، سوگیری های شناختی آسیب- پذیری فرد را به وسواس افزایش می دهند به این معنا که فرد مبتلا به اختلال وسواس، به اشتباه نوعی رابطه بین افکار منفی و غیراخلاقی خود و وقایع دنیای بیرونی تصور می کند (شافران، توردارسون و راجمن، ۱۹۹۶). براساس نظریه فراشناختی، افراد دارای مشکلات وسواسی، تصور می کنند تفکر آن ها درباره ی رویدادهای ناگوار احتمال وقوع این رویدادها را افزایش می دهد و آن ها به خاطر چنین افکاری مسوول هستند و بایستی وقوع آن ها را کنترل کنند. این درآمیختگی فکر- عمل^۲، مسوولیت ادراک شده فرد را برای وقوع مشکلات افزایش داده و همین امر سبب افزایش احساس گناه در فرد می شود (پورفرج عمران، بخشی پور و محمود علیلو، ۲۰۱۶).

درآمیختگی فکر- عمل دارای دو بعد آمیختگی فکر- عمل احتمال و آمیختگی فکر- عمل اخلاقی است. با مروری بر آنچه که ذکر شد به نظر می رسد شاید بتوان مدلی علی را طراحی کرد که در آن شیوه های فرزندپروری هر دو والد، خودکارآمدی و درآمیختگی افکار در قالب یک مدل نشانه های وسواس را پیش بینی کنند. از این رو، هدف پژوهش حاضر پاسخ گویی به این سوال بود که آیا خودکارآمدی و درآمیختگی افکار رابطه بین شیوه های فرزندپروری ادراک شده نوجوانان با نشانه های وسواس را میانجی گری می کنند؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش آموزان دبیرستان های نوبت دوم تهران در سال ۹۶-۱۳۹۵ بود. از این جامعه، ۸ مدرسه از سه منطقه (۲-۹-۱۹) و از بین آنها ۳۴۹ نفر به صورت در دسترس انتخاب شدند. ملاک های ورود به پژوهش سن ۱۵-۱۸، عدم ابتلا به بیماری جسمانی و روان شناختی و دریافت روان درمانی، عدم مصرف دارو، زندگی با هر دو والد از زمان تولد تا زمان حال و سکونت در شهر تهران بود. در نهایت پس از کنار گذاشتن ۵۱ پرسشنامه ی مخدوش اطلاعات مربوط به ۳۴۹ شرکت کننده (۲۰۰ دختر و ۱۴۹ پسر) با استفاده از نرم

افزار آموس تحلیل شد. آزمودنی ها بعد از توجیه پژوهش و اخذ رضایت کتبی، با استفاده از مقیاس سواسی- جبری ییل براون^۱، مقیاس خودکار آمدی عمومی^۲، مقیاس درآمیختگی افکار^۳ و مقیاس ادراک والدینی^۴ مورد ارزیابی قرار گرفتند.

مقیاس سواسی- جبری ییل براون توسط گودمن، پرایس، راسماسن، مازر، فلیچمن و همکاران (۱۹۸۹) ساخته شد و شامل ۱۹ ماده است. راجزی اصفهانی، متقی پور، کامکاری، ظهیرالدین و جان بزرگی (۲۰۱۲) ضریب آلفای کرونباخ را برای دو بخش مقیاس نشانه و مقیاس شدت، به ترتیب ۰/۹۷ و ۰/۹۵ و همبستگی مثبتی را بین مقیاس نشانه با ابزار مصاحبه بالینی ساختاریافته برای اختلال های محور یک و مقیاس شدت با چک لیست تجدیدنظر شده نشانه های اختلال های روانی گزارش کردند.

مقیاس خودکار آمدی عمومی شرر، مادوکس، مرکاندات، پرنیس-دان، جاکوبس و همکاران (۱۹۸۲) شامل ۱۷ ماده است که در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵ نمره- گذاری می شود. شرر و همکاران (۱۹۸۲) ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۶ و اعتبار آن را مناسب گزارش کردند. بختیاری براتی (۱۹۹۷؛ نقل از حیاتی، عگبھی، حسینی آهنگری و عزیز ی ابرقویی، ۲۰۱۲) اعتبار سازه ی این پرسشنامه را ۰/۶۱ گزارش کرده است.

مقیاس درآمیختگی افکار ولز، گویلیام و کارترایت- هاتون (۲۰۰۱) شامل ۱۴ ماده سه خرده مقیاس درآمیختگی فکر- کنش؛ درآمیختگی فکر- شی و درآمیختگی فکر- رویداد را در یک پیوستار ۱۰۰ درجه ای از ابداء اعتقادی ندارم تا کاملاً معتقدم مورد ارزیابی قرار می دهد. خرمدل، ربیعی، مولوی و طاهر نشاط دوست (۲۰۱۰) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ را برای این مقیاس گزارش کرده اند و نشان دادند که پرسشنامه از اعتبار مناسبی برخوردار است.

مقیاس ادراک والدینی رایبیز (۱۹۹۴) شامل ۴۲ ماده است و سه خرده مقیاس مشارکت، گرمی و حمایت از خودمختاری پدر و مادر را در یک طیف لیکرت ۷ درجه ای مورد ارزیابی قرار می دهد. کوکایوروک (۲۰۱۵) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و همبستگی مثبت معناداری (در دامنه ای از ۰/۴۱ تا ۰/۳۰) را بین خرده مقیاس های این ابزار و پرسشنامه دلستگی به والدین و همسالان گزارش کرد.

یافته ها

در جدول ۱ مولفه های توصیفی متغیرها ارائه شده است.

1. Yale-Brown obsessive compulsive scale
2. General Self-Efficacy subscale

3. Thought Fusion Instrument
4. Perception of Parents Scale

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد، ضرایب همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری والدین، درهم آمیختگی فکر، خودکارآمدی و نشانه‌های وسواس

	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱											۱
۲									۰/۷۱ ^{oo}		۲
۳								۰/۷۵ ^{oo}	۰/۶۸ ^{oo}		۳
۴							۰/۳۵ ^{oo}	۰/۳۵ ^{oo}	۰/۳۳ ^{oo}		۴
۵						۰/۷۰ ^{oo}	۰/۳۸ ^{oo}	۰/۴۳ ^{oo}	۰/۳۳ ^{oo}		۵
۶					۰/۷۹ ^{oo}	۰/۶۶ ^{oo}	۰/۴۵ ^{oo}	۰/۳۹ ^{oo}	۰/۳۵ ^{oo}		۶
۷				۰/۱۸ ^{oo}	۰/۱۴ ^{oo}	۰/۱۱ ^o	۰/۲۹ ^{oo}	۰/۲۳ ^{oo}	۰/۱۵ ^{oo}		۷
۸			۰/۲۷ ^{oo}	۰/۳۰ ^{oo}	۰/۳۱ ^{oo}	۰/۱۹ ^{oo}	۰/۲۸ ^{oo}	۰/۳۲ ^{oo}	۰/۲۰ ^{oo}		۸
۹		۰/۳۹ ^{oo}	۰/۴۴ ^{oo}	۰/۲۱ ^{oo}	۰/۲۲ ^{oo}	۰/۱۹ ^{oo}	۰/۲۵ ^{oo}	۰/۲۴ ^{oo}	۰/۱۹ ^{oo}		۹
۱۰	۰/۷۰ ^{oo}	۰/۴۳ ^{oo}	۰/۴۶ ^{oo}	۰/۱۳ ^o	۰/۱۲ ^o	۰/۱۱ ^o	۰/۲۳ ^{oo}	۰/۲۵ ^{oo}	۰/۱۷ ^{oo}		۱۰
	۵/۵۶	۶/۵۳	۵۸/۶۷	۵۹/۶۰	۳۱/۲۲	۴۳/۴۰	۲۷/۲۲	۳۲/۲۶	۴۴/۰۱	۲۳/۹۷	M
	۴/۶۸	۴/۳۸	۹/۰۸	۲۴/۰۳	۷/۸۶	۱۰/۹۱	۷/۳۱	۷/۹۹	۱۰/۱۱	۶/۵۶	sd

۱. سبک فرزندپروری مادر- مشارکت؛ ۲. سبک فرزندپروری مادر- حمایت از خودمختاری؛ ۳. سبک فرزندپروری مادر- گرمی؛ ۴. سبک فرزندپروری پدر- مشارکت؛ ۵. سبک فرزندپروری پدر- حمایت از خودمختاری؛ ۶. سبک فرزندپروری پدر- گرمی؛ ۷. درهم آمیختگی فکر؛ ۸. خودکارآمدی؛ ۹. وسواس- وسواس فکری؛ ۱۰. وسواس- وسواس عملی
^{oo}P < ۰/۰۵، ^oP < ۰/۰۱

جدول ۱ نشان می‌دهد هر سه مولفه ی سبک فرزندپروری مادر (مشارکت، حمایت از خودمختاری و گرمی) به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ با هر دو نشانه عملی و فکری وسواس همبسته بودند. هر سه مولفه ی سبک فرزندپروری پدر با نشانه ی فکری وسواس در سطح ۰/۰۱ و با نشانه ی عملی آن در سطح ۰/۰۵ و به صورت منفی همبسته بود. متغیر درهم آمیختگی فکری به صورت مثبت و متغیر خودکارآمدی به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ با هر دو نشانه وسواس همبسته بودند.

یافته ها نشان داد متغیرهای پژوهش حاضر به صورت نرمال توزیع شده‌اند، زیرا که شاخص‌های چولگی و کشیدگی آن‌ها در محدوده ی ۲ ± است. همچنین با توجه به این که ارزش عامل تورم واریانس متغیرهای پیش‌بین پایین‌تر از ۱۰ و ارزش ضرایب تحمل بالاتر از ۰/۱۰ بود، بنابراین مفروضه ی همخطی بودن نیز در بین متغیرهای پژوهش حاضر برقرار بود. بررسی نمودار پراکنندگی واریانس‌های استاندارد شده خطاها و ارزیابی ماتریس‌های نمودار پراکنندگی نشان داد که دو مفروضه ی همگنی واریانس‌ها و خطی بودن روابط بین متغیرها نیز در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار بود. در نهایت بررسی مقادیر چولگی و کشیدگی مربوط به نمرات «فاصله مهلنوبایس» نشان داد که توزیع داده‌های چندمتغیری در پژوهش حاضر نرمال و این مفروضه نیز در بین داده‌ها برقرار بود.

استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نسخه ی ۱۸ نرم افزار AMOS و برآورد بیشینه احتمال (ML) نشان داد که علیرغم عدم حمایت شاخص مجذور کای (به دلیل حجم نمونه بالا) از برازش قابل قبول مدل اندازه گیری با داده های گردآوری شده ($P < 0/01$)، $df = 17$)، $\chi^2(N=349)$ ، دیگر شاخص های برازندگی از برازش مطلوب مدل با داده های گردآوری شده حمایت کردند. به عنوان مثال مجذور کای نرم شده (χ^2/df) برابر با $2/59$ ، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با $0/983$ ، شاخص نکویی برازش (GFI) برابر با $0/970$ ، شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) برابر با $0/068$ و شاخص نکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) برابر با $0/937$ به دست آمد که همه از برازش مطلوب مدل اندازه گیری با داده های گردآوری شده حمایت کردند.

جدول ۲. بارهای عاملی استاندارد نشده، بار عاملی استاندارد شده، خطای استاندارد و نسبت بحرانی هر یک از نشان گرهای متغیرهای مکنون سبک های فرزندپروری ادراک شده ی والدین و نشانه های وسواس

مسیرها	b	β	S.E	P
سبک فرزندپروری مادر- مشارکت	۱	۰/۷۹۸		
سبک فرزندپروری مادر- حمایت از خودمختاری	۱/۷۲۵	۰/۸۹۳	۰/۰۹۶	۱۷/۸۸**
سبک فرزندپروری مادر- گرمی	۱/۳۰۱	۰/۸۵۳	۰/۰۷۵	۱۷/۳۰**
سبک فرزندپروری پدر- مشارکت	۱	۰/۷۶۹		
سبک فرزندپروری پدر- حمایت از خودمختاری	۱/۷۶۵	۰/۹۰۹	۰/۱۰۱	۱۷/۴۶**
سبک فرزندپروری پدر- گرمی	۱/۲۲۵	۰/۸۷۶	۰/۰۷۲	۱۷/۱۱**
وسواس - وسواس فکری	۱	۰/۹۱۷		
وسواس - وسواس عملی	۰/۸۹۲	۰/۷۶۷	۰/۱۴۴	۶/۲۰**

نکته: بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به سه نشان گر مشارکت مادر، مشارکت پدر و وسواس فکری با عدد ۱ تثبت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آن ها محاسبه نشده است.

جدول ۳ نشان می دهد بارهای عاملی همه نشان گرها بالاتر از $0/32$ بود. براین اساس می توان گفت چون همه ی بارهای عاملی بزرگ تر از $0/75$ است همه ی نشان گرها از توان بالا برای سنجش متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند. در مدل ساختاری پژوهش حاضر (شکل ۱) چنین فرض شده بود که سبک های فرزندپروری والدین هم به صورت مستقیم و هم به واسطه ی دو متغیر میانجی خود کارآمدی و درهم آمیختگی فکر، نشانه های وسواس را پیش بینی می کند. استفاده از روش

مدل‌یابی معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها نشان داد که مدل برازش قابل قبولی با داده‌ها دارد
 $(RMSEA=0/073, AGFI=0/912, GFI=0/955, CFI=0/971, \chi^2/df=2/84, \chi^2=79/37)$.

جدول ۳. ضرایب مسیر مستقیم، غیر مستقیم و کل بین سبک‌های فرزندپروری والدین، خودکارآمدی، درهم آمیختگی فکر و نشانه‌های وسواس

مسیرها	B	S.E	β	P
ضریب مسیر کل فرزندپروری پدر \leftarrow نشانه‌های وسواس	-۰/۰۴۵	۰/۰۵۱	-۰/۰۷۳	۰/۳۷۷
ضریب مسیر کل فرزندپروری مادر \leftarrow نشانه‌های وسواس	-۰/۱۹۴	۰/۰۵۵	-۰/۲۹۳	۰/۰۰۱
ضریب مسیر درهم آمیختگی فکر \leftarrow نشانه‌های وسواس	۰/۰۶۲	۰/۰۰۸	۰/۴۲۹	۰/۰۰۱
ضریب مسیر درهم خودکارآمدی \leftarrow نشانه‌های وسواس	-۰/۱۴۰	۰/۰۲۱	-۰/۳۶۹	۰/۰۰۱
ضریب مسیر فرزندپروری پدر \leftarrow درهم آمیختگی فکر	-۰/۲۱۳	۰/۳۰۸	-۰/۰۵۰	۰/۴۶۳
ضریب مسیر فرزندپروری مادر \leftarrow درهم آمیختگی فکر	-۱/۱۸۴	۰/۳۴۶	-۰/۲۵۶	۰/۰۰۵
ضریب مسیر فرزندپروری پدر \leftarrow خودکارآمدی	۰/۳۵۱	۰/۱۱۷	۰/۲۱۷	۰/۰۰۳
ضریب مسیر فرزندپروری مادر \leftarrow خودکارآمدی	۰/۳۹۵	۰/۱۳۱	۰/۲۲۷	۰/۰۰۲
ضریب مسیر غیرمستقیم فرزندپروری پدر \leftarrow نشانه‌های وسواس	-۰/۰۶۲	۰/۰۲۹	-۰/۱۰۱	۰/۰۳۱
ضریب مسیر غیرمستقیم فرزندپروری مادر \leftarrow نشانه‌های وسواس	-۰/۱۲۸	۰/۰۳۷	-۰/۱۹۴	۰/۰۰۱

جدول ۳ نشان می‌دهد سبک فرزندپروری مادر بر خلاف سبک فرزندپروری پدر به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ نشانه‌های وسواس را پیش‌بینی می‌کند ($\beta=-0/293, P<0/01$). همچنین درهم آمیختگی فکر ($\beta=0/429, P<0/01$) به صورت مثبت و خودکارآمدی ($\beta=-0/369, P<0/01$) به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ نشانه‌های وسواس را پیش‌بینی می‌کند. ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک فرزندپروری پدر و نشانه‌های وسواس منفی و در سطح ۰/۰۵ معنادار ($P<0/05$)، $\beta=-0/101$ و ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک فرزندپروری مادر و نشانه‌های وسواس منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ($\beta=-0/194, P<0/01$).

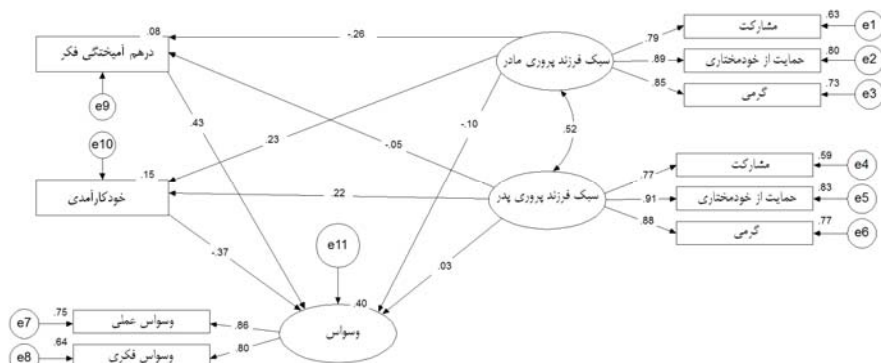
جدول ۴. معناداری سهم هر یک از دو متغیر میانجی درهم آمیختگی فکر و خودکارآمدی را در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین و نشانه‌های وسواس

مسیرها	a	SE _a	b	SE _b	a*b	SE _{ab}	Z	β
۱	-۰/۲۱۳	۰/۳۰۸	۰/۰۶۲	۰/۰۰۸	-۰/۰۱۳	۰/۰۱۹	-۰/۶۸۴	-۰/۰۲۱
۲	۰/۳۵۱	۰/۱۱۷	-۰/۱۴۰	۰/۰۲۱	-۰/۰۴۹	۰/۰۱۸	-۲/۷۲ ^{°°}	-۰/۰۸۰
۳	-۱/۱۸۴	۰/۳۴۶	۰/۱۳۱	۰/۰۰۸	-۰/۱۵۵	۰/۰۴۷	-۳/۲۹ ^{°°}	-۰/۰۵۸
۴	۰/۳۹۵	۰/۱۳۱	-۰/۱۴۰	۰/۰۲۱	-۰/۰۵۵	۰/۰۲۰	-۲/۷۵ ^{°°}	-۰/۰۸۴

۱. فرزندپروری پدر \leftarrow درهم آمیختگی فکر \leftarrow نشانه‌های وسواس؛ ۲. فرزندپروری پدر \leftarrow خودکارآمدی \leftarrow نشانه‌های

وسواس؛ ۳. فرزندپروری مادر \leftarrow درهم آمیختگی فکر \leftarrow نشانه‌های وسواس؛ ۴. فرزندپروری مادر \leftarrow خودکارآمدی \leftarrow

نشانه‌های وسواس؛



شکل ۱. مدل ساختاری پژوهش در تبیین روابط بین سبک‌های فرزندپروری والدین، درهم آمیختگی فکر، خودکارآمدی و نشانه‌های وسواس

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد درهم آمیختگی فکر رابطه بین سبک فرزندپروری **مادرو** نشانه‌های وسواس و خودکارآمدی رابطه‌ی بین سبک فرزندپروری هر دو والد با نشانه‌های وسواس را به صورت منفی و معنادار میانجی‌گری می‌کند. نظریه‌ی خودتعیین‌گری نظریه‌ای چندوجهی از شخصیت، رشد و فرایندهای اجتماعی که به بررسی بافت اجتماعی و تفاوت‌های فردی در تسهیل انواع مختلف انگیزش، به‌ویژه انگیزش خودمختاری می‌پردازد و به نوبه خود قابلیت پیش‌بینی یادگیری، عملکرد، تجارب و سلامت روان‌شناختی دست می‌زند. این نظریه پیشنهاد می‌کند که افراد از سه نیاز روان‌شناختی بنیادین برخوردارند - شایستگی، خودمختاری و در رابطه بودن. رضایت از این نیازهای اساسی باعث ارتقا رویه‌های انگیزشی مطلوب و حالت‌های انگیزش خودمختارانه و درونی است که منجر به سلامت روان‌شناختی و تسهیل تعامل موثر با جهان بیرون می‌شود (دسی و رایان، ۲۰۱۵). مطابق با نظریه‌ی خودمختاری انگیزش در یک پیوستار از انگیزه بیرونی تا انگیزه درونی قرار دارد. فرضیه اساسی این نظریه این است که خودمختاری شخص با انتساب انگیزش درونی افزایش می‌یابد. خودمختاری کیفیت عملکرد فرد تعریف شده که شامل تجربه انتخاب و ادراک درونی منبع کنترل است که شایستگی آن-ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد (تیمو، سامی، آنتونی و جارمو، ۲۰۱۶).

یکی از نیازهای اساسی افراد این است که در محیط خود احساس شایستگی کنند، بدین معنا که احساس شایستگی اجتماعی را دارا باشند (لیدوس و بوفارد، ۲۰۱۷). افراد با خودکارآمدی و به نوعی شایستگی بالا به دلیل توانایی حل مشکلات در گذشته و داشتن تجارب موفق، هنگام روبه رو شدن با

مشکلات با باور این موضوع که می‌توانند بر آن فایق آیند، به حل مساله می‌پردازند (میرزایی، کیامنش، حجازی و بنی‌جمالی، ۲۰۱۶). بسیاری از اشکال کنترل‌گری والدین به احتمال زیاد اثرات منفی بر آن دسته از عملکرد فرزندان که به خودمختاری‌شان وابسته است، دارند؛ زیرا که تحت فشار گذاشتن، مزاحمت یا سلطه‌گری را در برمی‌گیرند (پومرانتز و گروولنیک، ۲۰۰۹) و احتمالاً افکار مزاحم نظیر احساس گناه و شرمساری و نگرانی‌ها و ارزیابی‌های کمال‌گرایانه را منجر می‌شوند (ون در کاپ-دیپر، بون و برینینگ، ۲۰۱۷). داوی، میتن، بارنس و داش (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند افکار مزاحم آزاردهنده و غیرقابل کنترل با محتوای خودناهمساز احتمالاً فرایندهای ارزیابی سبب‌شناسی در نشانه‌های اختلال وسواسی اجباری را فعال می‌کند. راجمن ۱۹۹۷؛ ۱۹۹۸؛ ۲۰۰۶ چنین پیشنهاد کرد که افکار نفرت‌آمیزی که توسط فرد ناهمساز با خود تشخیص داده می‌شوند ممکن است منجر به تلاش فرد برای معناداری به آن‌ها و تفسیر بیش از حد و متعاقباً افزایش پریشانی و تلاش برای خنثی‌سازی افکار شود. بدین ترتیب چنین پیشنهاد شده از آنجایی که افکار خودناهمساز با خودپنداره ی فرد متغیر هستند، به احتمال بیش تری با اهمیت و تهدیدآمیز تفسیر می‌شوند (آدت، آردما و مولدینگ، ۲۰۱۶). افکار مزاحم، اهمیت آن‌ها، نگرانی از تجربه دوباره آن‌ها، تجربه در آمیختگی فکر-عمل و سواس‌های فکری منجر به توصیف‌ها و متعاقب آن یکسری تفسیرهایی از این توصیف‌ها می‌شود. تفسیرهای انجام گرفته باعث ترس و آشفتگی شده و این ترس و آشفتگی سبب بروز پیامدهایی چون خنثی‌سازی یا اجتناب رفتاری می‌شود و این پیامدها باعث تقویت وسواس‌ها می‌شوند (پورفرج عمران و همکاران، ۲۰۱۶). کاهش ظرفیت خودگردانی در فرد وسواسی او را بیش‌تر در معرض پاسخ‌هایی قرار می‌دهد که بلافاصله توسط کاهش اضطراب (اجبار وسواسی) تقویت می‌شود و در این صورت پاسخ‌های تاخیری اما با پیامدهای مطلوب‌تر در گزند خواهند بود: جلوگیری از اجبار وسواسی (کورچ، کورگیاری، فرارو، تاکاکورا، ماتیس و همکاران، ۲۰۰۸).

References

- Ahn, H. S., Bong, M., & Kim, S.-i. (2017). Social models in the cognitive appraisal of self-efficacy information. *Contemporary Educational Psychology*, 48, 149-166.
- Almardani Someeh, S., Narimani, M., Mikaeeli, N., & Basharpour, S. (2017). The comparison of intolerance of uncertainty, emotion regulation in obsessive-compulsive disorder patients and normal individuals. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 13(2), 77-94.
- Audet, J.-S., Aardema, F., & Moulding, R. (2016). Contextual determinants of intrusions and obsessions: The role of ego-dystonicity and the reality of obsessional thoughts. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 9, 96-106.
- Bagheri, F. (2013). Parent-Child Relationship Patterns Parenting Theoretical Model Based on Islamic world view and concept of the human nature. *Educational Science from Islamic Point of View*, 1(1), 5-39.
- Bédard, L., Déziel, J., & Lamarche, L. (2012). *Introduction à la psychologie sociale (Introduction to social psychology)* (4th edition). Pearson.
- Berman, N. C., Wheaton, M. G., & Abramowitz, J. S. (2013). Childhood trauma and thought action fusion: A multi-method examination. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 2(1), 43-47.

- Berman, N. C., Wheaton, M. G., & Abramowitz, J. S. (2013). Childhood trauma and thought action fusion: A multi-method examination. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 2(1), 43-47.
- Besiroglu, L., Çetinkaya, N., Selvi, Y., & Atli, A. (2011). Effects of selective serotonin reuptake inhibitors on thought-action fusion, metacognitions, and thought suppression in obsessive-compulsive disorder. *Comprehensive Psychiatry*, 52(5), 556-561.
- Cloninger, C. R., Svrakic, D. M., & Przybeck, T. R. (1993). A psychobiological model of temperament and character. *Archives of general psychiatry*, 50(12), 975-990.
- Corchs, F., Corregiari, F., Ferrao, Y. A., Takakura, T., Mathis, M. E., Lopes, A. C., . . . Bernik, M. (2008). Personality traits and treatment outcome in obsessive-compulsive disorder. *Revista brasileira de psiquiatria*, 30(3), 246-250.
- Davey, G. C. L., Meeten, F., Barnes, G., & Dash, S. R. (2013). Aversive intrusive thoughts as contributors to inflated responsibility, intolerance of uncertainty, and thought-action fusion. *Clinical Neuropsychiatry*, 10(3), 30-44.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2015). Self-Determination Theory. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)* (pp. 486-491). Oxford: Elsevier.
- Drake, K. L., & Ginsburg, G. S. (2011). Parenting Practices of Anxious and Non-Anxious Mothers: A Multi-method Multi-informant Approach. *Child & family behavior therapy*, 33(4), 299-321.
- Eftekharzade, R., Hosseinian, S., Shams, J., & Yazdi, S. M. (2016). The effectiveness of psycho education on expressed emotion and decreasing severity of diseases in patient with obsessive compulsive disorder. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 12(2), 67-84.
- Epkins, C. C., & Harper, S. L. (2016). Mothers' and Fathers' Parental Warmth, Hostility/Rejection/Neglect, and Behavioral Control: Specific and Unique Relations with Parents' Depression versus Anxiety Symptoms. *Parenting*, 16(2), 125-145.
- Esmali Kooraneh, A., & Amirsardari, L. (2015). Predicting early maladaptive schemas using Baumrind's parenting styles. *Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences*, 9(2), e952.
- Goodman, W. K., Price, L. H., Rasmussen, S. A., Mazure, C., Fleischmann, R. L., Hill, C. L., . . . Charney, D. S. (1989). The Yale-Brown Obsessive Compulsive Scale. I. Development, use, and reliability. *Archives of general psychiatry*, 46(11), 1006-1011.
- Grolnick, W. S. (2003). *The psychology of parental control: How well-meant parenting backfires*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Guadagnoli, E., & Velicer, W. F. (1998). Relation to sample size to the stability of component patterns. *Psychological Bulletin*, 103(2), 265-275.
- Hayati, D., Ogbahi, A., Hoseini Ahangari, A., & Azizi Abarghuei, M. (2012). Investigating the relationships between quality of learning experience's components and self-efficacy on academic burnout among students of Allamme Tabatabaei University of Tehran. *Educational Developement of Jundishapur*, 3(4), 18-29.
- Khanjani, Z., Esmaeili Anamage, B., & Gholamzadeh, M. (2012). The Role of Parenting Styles in Predicting Anxiety Thoughts and Obsessive Compulsive Symptoms in Adolescents. *The Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences*, 20(1), 39-48.

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 12 (No. 47), pp. 67-76, 2018

Explaining the relationship between perceived parenting styles and obsessive-compulsive symptoms: the mediation role of self-efficacy and thought fusion

Talebi Najaf Abadi, S

Islamic Azad University, Karaj Branch, Alborz, Iran

Borjali, A

Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Mohammadkhani, Sh

Kharazmi University, Tehran, Iran

Farrokhi, N. A

Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Danesh, E

Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 14.01.2018

Accepted: 17.02.2018

Obsessive-compulsive is a disabling psychiatric disorder that often leads to significant problems in the usual way of life, job performance, social activities, and interpersonal relationships. The aim of this study was to determine the mediation role of self-efficacy and thought fusion in the relationship between perceived parenting styles and obsessive-compulsive symptoms. For this purpose, in the descriptive correlational study among second-grade high school students in Tehran, 349 students from 8 schools were selected and evaluated in terms of obsessive-compulsive symptoms, general self-efficacy, thought fusion and parental perception. Data analysis performed using structural equation modeling indicated that the thought fusion the relationship between mother's parenting style and obsessive-compulsive symptoms and self-efficacy mediate the relationship between each of two parent's parenting style and obsessive-compulsive symptoms negatively and significantly. It seems that mothers whose patterns of mother-child relationship show characteristics such as formal communication, highlighting borders and distances, and lack of emotion, eye contact and embrace, or accept their child's conditional form, prevent the formation of unconditional acceptance in their children and forming excessive responsibility, the formation of thought fusion and obsession in their offspring.

Keywords: obsessive-compulsive, perceived parenting styles, self-efficacy, thought fusion action

Electronic mail may be sent to: borjali@atu.ac.ir